

نظام ملی اطلاع‌رسانی در ایران

چالش‌ها و راهکارها

حاضران:

دکتر عباس حزی، استاد دانشگاه تهران

دکتر محمد حسن‌زاده: عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس و دبیر جلسه

دکتر فاطمه زندیان، رئیس گروه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مازیار امیرحسینی، عضو دبیرخانه اتاق فکر جهاد کشاورزی

مهندس احسان حیدری، نماینده شورای عالی اطلاع‌رسانی

زمانی که بیل کلینتون و معاون او الگور برای انتخابات ریاست جمهوری خود را آماده می‌کردند، طرحی را در زمینه زیرساخت‌های ملی اطلاع‌رسانی به‌عنوان بخشی از شعار تبلیغاتی خودشان مطرح کردند. از سوی دیگر مالزی که الان در رتبه ۳۰ یا ۳۳ قرار دارد، برنامه‌ای برای اهداف نظام ملی اطلاع‌رسانی در دست دارد. در کشور ما نیز در سال ۱۳۸۱ طرحی را دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی مطرح کرد و هدفش این بود که چگونه می‌شود نظام ملی اطلاع‌رسانی را در ایران راه‌اندازی کرد.

همه این شرایط را بسنجید و ببینید بعد از گذشت نیم دهه و در بعضی کشورها یک دهه، ما چه رتبه‌ای در این رتبه‌بندی به دست آوردیم. اگرچه رتبه‌بندی‌ای وجود ندارد که نشان دهد ما از نظر نظام ملی اطلاع‌رسانی

دکتر حسن‌زاده: در این

نشست درباره نظام ملی

اطلاع‌رسانی در کشور و

چالش‌ها و راهکارهای پیش

روی آن بحث خواهد شد. قبل

از شروع بحث مقدمه‌ای را با

اشاره به یکی از مسائلی که در

دنیا مطرح شده، بیان می‌کنم.

آمادگی الکترونیکی^۱ یا به‌تعبیر

دیگری آمادگی برای ورود به عصر الکترونیکی شاخصی است که مرکز

ایی. آی. یو^۱ وابسته به اکونومیک^۲ هر سال منتشر می‌کند تا آمادگی

کشورها برای ورود به دنیای الکترونیکی مشخص شود. بر اساس این

شاخص‌ها در سال ۲۰۰۳ حدود ۶۵ کشور می‌توانستند به این جمع وارد

شوند و آنها را رتبه‌بندی کرده بودند. رتبه ایران در سال ۲۰۰۳ پنجاه و دو،

در سال ۲۰۰۴ پنجاه و هفت، در سال ۲۰۰۵ پنجاه و نه و در سال ۲۰۰۶

شصت و پنج از میان ۶۸ کشور بوده است. دانمارک در رأس این رتبه‌بندی

و بعد از آن ایالات متحده، سوئد و سوییس قرار دارند.

دانمارک در حدود سال ۱۹۹۵ طرحی را برای ارتقای نظام اطلاع‌رسانی

خودش تدوین کرد که پس از ۱۱ سال آن رتبه اول را کسب کرد. یا

ایالات متحده که نسبت به دانمارک دارای وسعت بیشتری در این عرصه

است و با چالش‌های بیشتری نیز روبه‌روست، در سال ۱۹۹۳ و قبل از آن



دکتر حسن‌زاده:

آمادگی الکترونیکی یا به‌تعبیر

دیگری آمادگی برای ورود به

عصر الکترونیکی شاخصی است

که مرکز ائی. آی. یو وابسته به

اکونومیک هر سال منتشر می‌کند

تا آمادگی کشورها برای ورود به

دنیای الکترونیکی مشخص شود

در چه جایگاهی هستیم، ولی اگر ما همان شاخص آمادگی الکترونیکی را به‌منزله شاخصی که می‌تواند به نظام ملی اطلاع‌رسانی مرتبط باشد، در نظر بگیریم، باید از خود سؤال کنیم که دیر یا زود ما هم کارهایی را در این زمینه در کشور به‌صورت رسمی و در دانشگاه‌ها به‌صورت غیررسمی آغاز خواهیم کرد. برای نمونه نزدیک به نیم دهه قبل خانم دکتر زندیان پایان‌نامه دکتری خود را در زمینه نظام ملی دانشگاهی نوشته است. آقای امیرحسینی طرحی را سال گذشته در وزارتخانه جهاد کشاورزی برای نظام ملی اطلاع‌رسانی کشاورزی مطرح کرد. آقای قاضی میرسعید نیز در این زمینه در مرکز اطلاع‌رسانی پزشکی فعالیت‌هایی انجام داد. سؤالاتی که در این نشست به دنبال پاسخ و بحث درباره آنها هستیم عبارت‌اند از: نظام ملی اطلاع‌رسانی چه اهمیت و گستره‌ای دارد؟ زیرساخت‌های لازم برای نظام ملی اطلاع‌رسانی در کشور چیست؟ آقای دکتر حری با توجه به اینکه در این زمینه پایان‌نامه‌هایی را هدایت کرده‌اید، نظراتان را درباره اهمیت و گستره نظام ملی اطلاع‌رسانی در دولت جمهوری اسلامی ایران بیان کنید.



دکتر حری: طرح نظام ملی

فقط به دهه ۷۰ بر نمی‌گردد، بلکه در سال‌های ۷۴ و ۷۵ به دولت عرضه شد و پیشینه خیلی قدیمی دارد. اولین بار در سال ۱۳۵۱ طرح شبکه اطلاعات علمی و فنی مطرح شد. اما آن زمانی که گفتیم آمادگی داریم که این کار را انجام دهیم، طرح

نظام ملی اطلاع‌رسانی مطرح شد. این طرح در ۱۰۰۶ صفحه عرضه شد که اجمال آن هم در چند جا به چاپ رسید و بر اساس آن طرح شورای عالی اطلاع‌رسانی تأسیس شد و حتی بنده تا پایان تصویب ساختار شورای عالی اطلاع‌رسانی در شورای انقلاب فرهنگی این طرح را پی‌گیری کردم و یکی از کسانی بودم که برای دفاع از آن حضور داشتم به ایجاد شورای عالی اطلاع‌رسانی منتهی شد. جلساتی هم برگزار شد ولی اتفاقی بر اساس آن طرح نیفتاد. اگر از نظام ملی پزشکی صحبت می‌کنیم، اچ. بی. آی خودش وارد این عمل شد، بدون اینکه به‌عنوان یکی از زیرسیستم‌های نظام ملی این عمل را انجام دهد، یا کار خانم دکتر زندیان به‌عنوان طرح پیشنهادی برای نظام ملی دانشگاهی یک کار فوق‌العاده و علاقه شخصی بود. بنده در یکی از جلسات نظام ملی دانشگاهی عرض کردم که چندان امیدیه به این مسئله ندارم، برای اینکه اتفاقات مشابهی افتاده، ولی پی‌گیری نشده است. یا آنچه در وزارتخانه جهاد کشاورزی اتفاق می‌افتد به‌دلیل احساس نیاز بوده است، نه اینکه شورای عالی اطلاع‌رسانی آنها را تعریف و برای آنها متولی انتخاب کرده باشد و به آنها اعلام کند که شما طبق این استانداردها

باید کار کنید.

پیش از آنکه وارد خود نظام شوم متنی را برای شما می‌خوانم: «نیروی انسانی متخصص در موضع مناسب خود به‌کار گرفته نشده که این نتیجه یافته‌هاست، برخی از مجموعه‌ها متناسب با اهداف و برنامه‌های پیش‌بینی شده نیست، پردازش اطلاعات دست‌خوش علایق و سلیق سازمانی، مدیریت و گاه فردی است. زبان موضوعی واحدی در نمایه‌سازی اسناد و مدارک مشابه به‌کار نمی‌رود، نرم‌افزارها از الگوهای هماهنگی تبعیت نمی‌کنند، مراکز از موجودی یکدیگر مطلع نیستند، همکاری جدی و تعریف شده‌ای میان این واحدها برقرار نیست، وظایف و عملکردهای مراکز به‌طور روشن تعیین و تفکیک نشده است». این متن به ۱۲ سال پیش برای بررسی نظام موجود ملی اطلاع‌رسانی برمی‌گردد. وقتی شما آن را می‌شنوید فکر می‌کنید که این تحقیق دیروز انجام شده است. یعنی تمام این نارسایی‌ها به قوت خودش باقی است، ولی هرگز تدبیری اندیشیده نشده است که چگونه می‌شود این نارسایی‌ها را مرتفع کرد. اگر قرار باشد سازمان‌ها با هم همکاری کنند، ما نیازمند یک تفاهم‌نامه‌ای هستیم که همه از آن پیروی کنند. اگر بحث به‌کارگیری نیروی انسانی می‌شود، باید قاعده‌مند باشد. ما به‌وفور شاهد دوباره‌کاری‌ها در سازمان‌های مختلف هستیم. جلوگیری از این دوباره‌کاری‌ها فقط بر اساس یک نظام واحد صورت می‌گیرد. تا زمانی که این اتفاق نیفتد نمی‌توانیم امید داشته باشیم که رتبه ما در نظام جهانی تغییر کند. اگر هم رتبه تغییر کند، تصنعی است.

بحث این است که ما خلأ اطلاعاتی بسیاری داریم و با وجود این همه اندیشه نو و جا برای کار کردن، بهتر است روی آن کار شود. به‌اعتقاد بنده یک مقاله خوب بین‌المللی به ده مقاله که فقط بر اساس تعداد آن را ارزشگذاری کنیم، برتری دارد. از مقالاتی که در مجلات علمی دنیا چاپ می‌شود، فقط ۲۰ درصد دارای ضریب بالاترین تأثیر هستند و ۸۰ درصد فاقد تأثیرند. اگر مقالات ما جزء آن ۸۰ درصد باشد، در ارتقای رتبه ما تأثیر ندارد.

چیزی که در جامعه ما مانع بزرگ تشکیل نظام ملی است و نه زیرسیستم‌های آن، تا جایی که بنده درباره آن کار کرده‌ام، به تصور آنها از نظام برمی‌گردد. این بزرگ‌ترین خطایی است که جلوی مرکزهای نظام‌مند را گرفته است. اصلاً قرار نیست مرکزی متولی شود و همه چیز در یک

دکتر حری:

اولین بار در سال ۱۳۵۱ طرح شبکه اطلاعات علمی و فنی مطرح شد. اما زمانی که برای انجام این طرح اعلام آمادگی کردیم، طرح نظام ملی اطلاع‌رسانی مطرح شد

جا جمع شود، به‌خصوص با فناوری امروز وقتی از نظام ملی گفته می‌شود، باید از شاخص‌ها و استانداردهای پذیرفته‌شده‌ای پیروی کنند و بتوانند با هم اطلاعات مبادله کنند. این یک اندیشه قرن نوزدهمی است، کسانی که تاریخچه کتابداری را مطالعه کرده‌اند می‌دانند و در کتاب‌ها اشاره شده است که در قرن نوزدهم اندیشه‌ای به نام ایجاد کتاب‌شناسی جهانی پدید آمد که هدفش این بود که همه منابع دنیا در یک کتاب‌شناسی واحدی به‌صورت ادواری چاپ شود. ولی در مدت بسیار اندکی در نطفه خفه شد. به‌دلیل اینکه امکان ندارد بتوانید آن را در جای واحدی فراهم آورید، آنها باید در جای خود باشند و از طریق ارتباطات به آنها دسترسی پیدا کنید. قرار نیست موجودی هیچ کتابخانه‌ای به هم بخورد، اما قرار است از یک استاندارد پیروی کنند. نظام مجموعه‌ای از عناصری است که برای رسیدن به هدف تعریف‌شده‌ای با هم در تعامل هستند.

در پاسخ به سؤال آقای حسن‌زاده که چه زیرساخت‌هایی برای شکل‌گیری نظام لازم است، باید بگویم که مجموعه‌ای از زیرساخت‌های شناخته‌شده مانند زیرساخت فنی، اعم از نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، لازم است. ولی زیرساختی که ما کمتر به آن توجه می‌کنیم، فرهنگ و باور نظام ملی است. این ساده به‌نظر می‌رسد، ولی این فرهنگ پیش‌زمینه‌هایی نیاز دارد و آن این است که قبول کنیم آنچه داریم متعلق به کل جامعه است و فقط به ما و مدیریت تعلق ندارد. مدیریت بازگشایی راه‌های بهره‌وری اجتماعی است. کسی که این باور را دارد می‌داند که داشتن یک نظام ملی یعنی اینکه من باید اموال را با دیگری تقسیم کنم و دیگری هم این کار را انجام دهد.

سابقه امانت بین کتابخانه‌ای در کشور به سال‌های قبل از ۵۰ برمی‌گردد و مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران آغازگر آن بود و چندین بار شروع و متوقف شد. دلیل اصلی توقف هم این بود که هر کسی می‌گفت چرا من باید به دیگری خدمت‌رسانی کنم و بابت آن چه چیزی عاید من می‌شود؟ در گذشته درباره دولت هم اشاره کردم که متأسفانه نظام تشکیلات کلان کشور هم این تلقی را ندارد. تقسیم وزارتخانه‌ها از نظر نگرش سیستمی یعنی مجموعه‌ای که هر بخش و وظیفه‌ای از آن به یک سازمان و فرد خاصی محول شده باشد و در برآیند آنهاست که تشکیلات یک دولت و جامعه به هدف می‌رسد. آیا واقعاً این همگنی وجود دارد.

اخیراً طرح تأمین مدرک اجرا شد که بر اساس آن در کل کشور سه مرکز مسئول شدند که مجلات را تهیه کنند. این مراکز به‌دلیل اینکه دوباره کاری نشود به‌خصوص درباره مجلات لاتین، مجلات را بین خودشان تقسیم کردند. بدین صورت که یک مجله یک بار مشترک شود و همگان از آن استفاده کنند، اصل فکر تا اینجا خیلی خوب است. از سه مرکز نامبرده، دو مرکز در تهران و یکی خارج از تهران بود. با توجه به تقسیم‌بندی قرار شد که نیازهای اطلاعاتی پژوهشگران و دانشجویان و محققان را برطرف کنند. از همین جا کار لنگ زد. به‌قول یکی از دوستان در یکی از کتابخانه‌های دانشگاهی گفتند مجله نخرید، به شما خدمات می‌دهیم، مجله را نخریدیم، ارائه خدمات هم نکردند. آن تبعاتی هم داشت. تبعات

آن این بود که دانشکده‌هایی که مجلات خود را از دست دادند، دیگر به آنها دست پیدا نکردند، برای اطمینان می‌توانید به کاردکس مجلات دانشکده‌ای در دانشکده‌های مختلف مراجعه کنید و وضع آنها را قبل و بعد از این طرح مقایسه کنید. این آسیب‌ها ناشی از نبود الگوی واحد است.

نظام ملی اطلاع‌رسانی هرگز در بخش اجرایی کارها دخالت نمی‌کند و سه وظیفه برای آن تعریف شده است که عبارت‌اند از: هماهنگی، نظارت و ارزیابی. هماهنگی یعنی هر کسی کار خود را انجام دهد، وزارت کشاورزی مسئول اطلاعات کشاورزی است و نه سازمان دیگری. بنابراین نظام اطلاع‌رسانی هرگز اجازه نمی‌دهد بودجه‌ای که باید صرف اطلاعات کشاورزی شود، صرف اطلاعات فنی و غیرکشاورزی شود. هم‌اکنون دو مارک در نظام جهانی داریم. باید یکی از آنها پذیرفته شود و همه آن مارک را در مراکز اطلاع‌رسانی اجرا کنند.

نظارت یعنی اینکه نهادی بر این نظام ناظر باشد و برای این کار دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی پیش‌بینی شده بود تا کسی از وظایف خود تخطی نکند. به‌راحتی هم امکان‌پذیر بود که اگر کسی وارد عرصه‌ای می‌شد که جزء وظایفش نبود، زمانی که می‌خواست بودجه سالانه‌اش را تصویب کند، شورای عالی و شورای مدیریت و برنامه‌ریزی جلوی آن را می‌گرفت و به آن بودجه اختصاص نمی‌داد.

اما ارزیابی به‌عنوان عنصر سوم به این معناست که به‌صورت ادواری مشخص شود آیا آنچه برای نهادها تعریف شده، درست انجام داده‌اند و به اهداف پیش‌بینی شده دست یافته‌اند، ضعف‌ها و آسیب‌ها را شناسایی کنند. مشخص شود که چه جاهایی را باید تقویت کرد و کجا باید جلو کار را گرفت. این قانون نگرش سیستمی است. ما وقتی می‌خواهیم چرخه حیات سیستم باقی بماند و به گردش خود ادامه دهد، ناگزیریم این سه عنصر را پیوسته در مسیر کار خودمان داشته باشیم.

دکتر حسن‌زاده: موضوع پایان‌نامه خانم دکتر زندیان در زمینه نظام ملی اطلاع‌رسانی کتابخانه‌های دانشگاهی یا نظام ملی کتابخانه‌های دانشگاهی است. خانم زندیان در طول مطالعاتی که کردید، آیا نظام کتابخانه‌های دانشگاهی برای رسیدن به یک نظام ملی اطلاع‌رسانی حرکت می‌کند؟ اگر چنین است با چه مشکلاتی روبه‌روست؟

دکتر زندیان: هدف من از طرح موضوع پایان‌نامه بررسی راهکارهای عملیاتی کردن طرح نظام ملی اطلاع‌رسانی در دانشگاه‌های کشور بود. من مدت‌ها در کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت مدرس مشغول به کار بودم. در آنجا متوجه شدم که کاربر برای دسترسی به اطلاعات با مشکلات بسیاری مواجه است. در آن زمان برای دانشجویان مقاطع دکتری، کارشناسی ارشد و همچنین اعضای هیئت علمی بن‌بی‌ال^۴ تهیه می‌کردیم یعنی بر اساس سهمیه‌ای که تخصیص داده بودیم، مقالات، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هایی را که در سطح کشور وجود نداشت، برای آنها تهیه می‌کردیم تا اطلاعات

به حد خیلی زیادی در وزارت علوم به‌وجود آمده است. اما از آنجاکه کار خیلی گسترده است و بنده هم طی این سال‌ها متوجه سختی کار شده‌ام، از خردترین کارهایی که در دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی ما وجود دارد تا بزرگ‌ترین کارها نظیر عدم وجود مدیریت تخصصی در سطح کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی یا مسائل دیگر ناهماهنگی بسیاری به چشم می‌خورد.

نظام ملی اطلاع‌رسانی در سطح دانشگاه‌ها هنوز خیلی کار دارد. به‌هر حال باید به‌نحوی این را فریاد زد و به گوش همه رساند و فکر می‌کنم این جلسات می‌تواند راهی باشد تا این نظام را در جاهای دیگر هم پیاده کنیم.

دکتر حسن زاده: آقای امیرحسینی طرحی را که شما در وزارت جهاد کشاورزی مطرح و اجرا کردید، آیا به این نتیجه رسیدید که این نظام قابل شکل‌گیری است یا خیر و اگر بخواهد شکل بگیرد می‌تواند گامی در راه شکل‌گیری نظام ملی اطلاع‌رسانی به‌صورت عام در کشور باشد؟



دکتر امیرحسینی: هجدهم تیر ماه ۱۳۸۵ طی حکمی از وزیر جهاد کشاورزی آقای مهندس مؤذن، مشاور وزیر و دبیر اتاق فکر وزارت جهاد کشاورزی به‌منظور ایجاد، اصلاح و راهبری نظام اطلاع‌رسانی ایران مأموریت پیدا کردم و مجری این طرح انتخاب شدم. در آن زمان کارگروهی شکل گرفت

که دربارهٔ نظام اطلاع‌رسانی کشاورزی و نظام‌های اطلاع‌رسانی موجود در سطح وزارت جهاد کشاورزی تحقیق و بررسی کند. این تحقیق به روش پیمایشی، صنعتی و طراحی سیستم صورت گرفت و از ابزارهای پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده در آن استفاده شد. در این بررسی ما متوجه شدیم که نهادهای متعددی در نظام اطلاع‌رسانی خودشان را متولی فرض می‌کنند یا عملکرد دیگران را مورد نظر قرار می‌دهند یا حتی رد می‌کنند. بدین ترتیب

دکتر امیرحسینی:

نهادهای متعددی در نظام اطلاع‌رسانی خودشان را متولی فرض می‌کنند یا عملکرد دیگران را مورد نظر قرار می‌دهند یا حتی رد می‌کنند

مورد نیازشان را تهیه کنند. طی چند سال مشاهده می‌کردم بعد از اینکه مدارکی را درخواست می‌دادیم، بعد از یک یا دو ماه مطلع می‌شدیم که تعدادی از این مدارک مثلاً در مجله‌ای در دانشگاه شیراز وجود داشته و ما خبر نداشتیم. در برآوردی که کردیم این مسئله ارزی



بسیاری برای ما داشت، آنجا بود که به ذهنم خطور کرد که این مسئله برای سیستم اطلاعاتی کشور می‌تواند مهم باشد تا راهکاری ارائه دهیم. به همین منظور دربارهٔ عملیاتی‌کردن نظام اطلاع‌رسانی با آقای دکتر حری با توجه به سوابق ایشان و اینکه نظام ملی را در سطح کشور طراحی کرده بودند مشورت کردم. موضوع این بود که برای دانشگاه‌ها چه کار می‌توانیم بکنیم. به این نتیجه رسیدیم که راهی جز خردکردن این سیستم در سطح کلان نداریم و اولین مکان ضروری دانشگاه‌هاست. دانشگاه‌ها مهم‌ترین مرکز در زمینهٔ تولید، ارائه و استفاده از اطلاعات هستند. در نتیجه من به این موضوع پرداختم که اگر به آن اهمیت داده شود و در سطح دانشگاه‌ها پیاده شود، هماهنگی و دسترس‌پذیری ایجاد شده و از دوباره‌کاری‌ها جلوگیری می‌شود. بعد از آن تماس‌هایی با وزارتخانهٔ علوم داشتیم و توانستم آنها را متقاعد کنم تا آن را در دانشگاه‌ها پیاده کنیم. دو سه سال است که با همکاری دکتر حری، بنده و چند تن از استادان کم‌کم این زمینه در وزارت علوم جا افتاده و امروز به این نتیجه رسیدند که ما به آن نیاز داریم و این نظام باید به وجود بیاید. ولی متأسفانه حتی در وزارت علوم هم هماهنگی‌های لازم بین زیرساخت‌های آن وجود ندارد و سازمان‌هایی که متولی تولید و سازماندهی اطلاعات هستند، با هم هماهنگ نیستند. من فکر می‌کنم اولین قدم فرهنگ‌سازی و ایجاد احساس نیاز است که

دکتر زندیان:

نظام ملی اطلاع‌رسانی در سطح دانشگاه‌ها هنوز خیلی کار دارد متأسفانه حتی در وزارت علوم هم هماهنگی‌های لازم بین زیرساخت‌های نظام ملی اطلاع‌رسانی وجود ندارد و سازمان‌هایی که متولی تولید و سازماندهی اطلاعات هستند، با هم هماهنگ نیستند

ما چهار جریان اصلی را در وزارت جهاد کشاورزی پیدا کردیم که این چهار جریان عبارت‌اند از: معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی که نقش داده را بازی می‌کند. ما در مبنای معرفت‌شناسی به دلیل عملکرد اطلاع‌رسانی که داشت و روش اطلاع‌رسانی آن آماری بود، برای این معاونت نقش داده را متصور هستیم؛ سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی که نقش اطلاعات در مراتب معرفت را بازی می‌کند و روش اطلاع‌رسانی علمی را به عهده داشت؛ معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری که اطلاعات را کاربردی می‌کرد و خط مقدم کمک ما به کشاورزان، دامداران، عشایر و زنان روستایی بود و نقش دانش را بازی می‌کرد و اطلاع‌رسانی آن اطلاع‌رسانی خبری بود. با بررسی آنها مشاهده می‌کنیم که ماده در آنها یکی است و فقط صورت فرق می‌کند. اگر قرار باشد مبنای تفکر خود را در نظام اطلاع‌رسانی، صورت بگذاریم به همین جایی می‌رسیم که هستیم. ما باید به ماده توجه کنیم یا اگر بگوییم اینها همه مصادیق منکثی از اطلاع‌رسانی هستند، اینها جمع می‌شوند، تکثر لزوماً چیز بدی نیست، اگر تکثر نباشد معنای وحدت حاصل نمی‌شود، یعنی وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت حاصل نخواهد شد و این کثرت هم با یک تعریف معرفت‌شناسانه قابل حل است.

بحث پیاده‌سازی نظام اطلاع‌رسانی کار بسیار سختی است. نظام اطلاع‌رسانی یک تشکیلات نیست، یک سازمان نیست، یک شبکه با آن تصویری که ما از شبکه داریم نیست، بلکه یک سازمان مجازی است که باید یک تفکر قیاسی بر آن حاکم شود و زیرسیستم‌های آن مبتنی بر تفکر استقرایی باشد. اگر نظام ملی اطلاع‌رسانی در کشور وجود دارد نباید برای جزئی‌ترین مسئله در وزارت کشاورزی برنامه بدهد، این وظیفه وزارت کشاورزی است که بر مبنای تفکر قیاسی نظام ملی اطلاع‌رسانی را مستقر کند، حتی وزارت کشاورزی باید اجازه دهد مثلاً منابع طبیعی امور دام برای خود نظام‌نامه تهیه کند تا آنها نیز خودشان را دخیل بدانند.

مهندس حیدری:
برای نظام اطلاع‌رسانی
زیرساخت‌های مختلفی لازم است
که شاید مهم‌ترین آنها همان
زیرساخت باوری و بینشی
باشد. دسته دوم زیرساخت‌های
نهادی و روش‌های کارآمد رفتار
نهادهاست. زیرساخت سوم
زیرساخت‌های سخت‌افزاری
هستند

دکتر حسن زاده: زمانی که بیل کلینتون شعار انتخاباتی خودش را «گسترش شاهراه‌های اطلاعاتی» مطرح کرد، پس از پیروزی نخستین کارگروه زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی را به‌عنوان یک رئیس جمهور تشکیل داد یا کمیسیون اروپایی در سال ۱۹۹۵ برای رقابت با طرحی که ایالات متحده راه انداخته بود، کارهایی را شروع کرد. دولت کارگری انگلستان نیز در سال ۱۹۹۸ «عصر اطلاعات، چشم‌انداز دولت» را مطرح کرد یا به پیشنهاد مهاتیر محمد، نخست‌وزیر مالزی، برای ایجاد شاهراه بزرگ چندرسانه‌ای مالزی برنامه‌ای با هدف توسعه اقتصادی و اجتماعی تا سال ۲۰۲۰ را تدوین شد. سنگاپور که رتبه سیزدهم را به خودش اختصاص داده، جزیره هوشمند را مطرح کرد. در ایران طبق فرمایش دکتر حری از حدود سال ۱۳۵۰ یادداشتی مبنی بر نظام ملی اطلاع‌رسانی به دولت ارائه شد و بعد از آن کارهایی انجام شده است. آقای مهندس حیدری در مقام کارشناس دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی در این جلسه شورای عالی اطلاع‌رسانی در این زمینه چه کارهایی را کرده و چه کارهایی در دست دارد و با چه مشکلاتی روبه‌روست؟



مهندس حیدری: با توجه به صحبت‌های آقای دکتر حری، عمده‌ترین مشکل ایران در پیشرفت نظام اطلاع‌رسانی و واقعیت‌های کشور، زیرساخت‌ها، باور و فرهنگ اطلاع‌رسانی است. اینک می‌خواهم از زاویه نگاه به اطلاعات و اطلاع‌رسانی نکته‌ای را بیان کنم. وقتی ما قبول داریم که اطلاعات

پشتوانه یک تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی صحیح و پشتوانه تخصیص بهینه منابع مختلف جامعه است و همچنین از دوباره‌کاری جلوگیری می‌کند و موجب هم‌افزایی نیروهای مختلف می‌شود، می‌توان گفت که اطلاع‌رسانی از مقدمات اصلی رشد فردی و اجتماعی یک جامعه است. از زاویه دینی انسان‌ها موظفند از منابعی که خداوند به آنها داده است، استفاده بهینه کنند. در نتیجه اطلاع‌رسانی که باعث تصمیم‌گیری‌های درست شده و باعث می‌شود که منابع از بین نرفته و برای هم‌افزایی استفاده شود، مقدمه واجب برای رشد فردی و اجتماعی افراد و رشد سیستم‌های کشور است. من فکر می‌کنم توجه و اهمیت دادن از این نگاه به سیستم‌های اطلاع‌رسانی می‌تواند مفید باشد. حداقل می‌تواند فرهنگ اطلاع‌رسانی را در جامعه بهبود بخشد و باور به اهمیت اطلاع‌رسانی را بیشتر کند.

برای نظام اطلاع‌رسانی زیرساخت‌های مختلفی لازم است که شاید مهم‌ترین آنها همان زیرساخت باوری و بینشی باشد. دسته دوم زیرساخت‌های نهادی روش‌های کارآمد رفتار نهادهاست. زیرساخت سوم

حوزه اطلاع‌رسانی و برای اینکه هدف‌مند باشند و با هم پیش روند، باید اجزای از نهادهای دانشگاهی، خدماتی و آموزشی و همین‌طور نهادهای سیاسی هماهنگ‌کننده و ارزیابی‌کننده وجود داشته باشد. از سال ۱۳۸۵ طرح «تسما» (تولید و ساماندهی محتوای الکترونیکی ایران) از سوی دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی مطرح شد. دغدغه مسئولان این است که چرا محتواسازی الکترونیکی در مناطق مختلف کشور بدون ضابطه و هماهنگی و اطلاع طرف تقاضا صورت می‌گیرد و تحقیقاتی که می‌شود، باید به نیازهای واقعی کشور معطوف باشد. آشفته‌گی‌های بسیاری در حوزه محتواسازی الکترونیکی در کشور وجود دارد که طرح «تسما» تصمیم دارد آنها را ساماندهی کند.

دکتر حسن زاده: آقای دکتر حری چرا در کشور ما یک متولی راه‌برنده و هماهنگ‌کننده در این زمینه وجود ندارد؟ به نظر شما مشکل اساسی شکل‌گیری متولی و راه‌بر چیست و اگر بخواهد شکل بگیرد با این موازی‌کاری‌ها و تقسیم وظایفی که شده چطور می‌تواند برخورد کند؟

دکتر حری: این بحث به قدری کلان است که نمی‌تواند در یک جلسه به سرانجام برسد. تا زمانی که روحیه خودمحوری (البته این خودی که اشاره می‌کنم خود سازمانی را هم دربر می‌گیرد) را کنار نگذاریم، قطعاً این اتفاق نخواهد افتاد. جالب است این اتفاقی که الان در شورای عالی اطلاع‌رسانی افتاده، دقیقاً نشان‌دهنده این است که دو دبیر با دو نگاه مختلف، دو سیاست متفاوت را پیشنهاد می‌کنند. «تسما» و «تسما» فقط تفاوت دو نام نیست، بلکه تفاوت دو نگرش است. در هر یک از این طرح‌ها یک پیشفرض وجود دارد و آن این است که آن چیزی که باید وجود داشته باشد، الان حاصل شده و ما قرار است که فقط به این کار بپردازیم، اشکال از همین جاست.

ما فرض را بر این می‌گیریم که کمبود ما فقط سخت‌افزار است و با گسترش سخت‌افزار تمام مشکلات اطلاع‌رسانی حل می‌شود. همین اتفاق در محتوا هم می‌افتد. زمانی که از نظام اطلاع‌رسانی صحبت می‌کنیم، سه عنصر محتوا، ساختار و فرآیند باید با هم حرکت کنند. مدیریت در نظام ملی اطلاع‌رسانی اعم از اینکه نظام ملی در یک مقیاس محدودتر موضوعی مانند کشاورزی، پزشکی و دانشگاهی یا در مقیاس کلان باشد، این سه را باید با هم ببیند. اگر متولیان آنها را جدا کنیم و سیاست‌ها را به خودشان واگذار کنیم، باز دچار نابسامانی خواهد شد. تا زمانی که ساختار خودش را با محتوا هماهنگ نکند، محتوا از تمام ظرفیت ساختار استفاده نکند و نگاه سنتی را به ساختار جدید تحمیل کند و ندانیم که به چه سمتی حرکت و چه فرآیندی را طی می‌کنیم، در این تبادل اطلاعات هرگز به ثمر نمی‌رسد و اصلاً آن نظام بودن به معنای پیوستگی و تعامل و هدف واحد داشتن در آن نخواهد بود.

درباره مطلبی که آقای حیدری درخصوص فناوری اشاره کردند، شورای



زیرساخت‌های سخت‌افزاری هستند. دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی در سال ۱۳۷۹ تمرکز وسیعی بر کاستی‌ها کرد. طرح مفصل «تکفا» از سال ۱۳۸۱ با بودجه‌های وسیع اجرا شد. سال‌های ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ اوج دوره‌های اجرای تکفا بود. در سال ۱۳۸۲ ساختار وزارت پست و تلگراف و تلفن عوض شد و وزارتخانه ارتباطات و فناوری اطلاعات در ساختار جدید شکل گرفت و به همین دلیل در ساختار جدید این وزارتخانه نهاد شورای عالی آی. تی (فناوری اطلاعات) در نظر گرفته شد. مسلماً شورای عالی اطلاع‌رسانی دیگر نمی‌توانست متولی شورای عالی آی. تی باشد، بنابراین از همان زمان تغییر رویه‌ای در شورای عالی اطلاع‌رسانی و هماهنگی آن با شورای عالی آی. تی ایجاد شد. از نهادهای تاثیرگذار به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز آمار ایران، مرکز مدارک علمی ایران، کتابخانه ملی ایران، سازمان صدا و سیما و خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران و همچنین ساختار دانشگاهی کشور، شورای عالی فناوری اطلاعات و شورای عالی اطلاع‌رسانی می‌توان اشاره کرد. این نهادها خود را بازیگران نظام اطلاع‌رسانی می‌دانند، تا جایی که بعد از تشکیل شورای عالی آی. تی در سال ۱۳۸۲، بین شورای عالی اطلاع‌رسانی و این نهاد تازه تأسیس، تداخل ماموریتی ایجاد شد. به همین منظور در تیر ماه ۱۳۸۴ آیین‌نامه شورای عالی اطلاع‌رسانی اصلاح شد. در این اصلاحیه به‌وضوح تصریح شده که زیرساخت‌های سخت‌افزاری و توسعه شبکه فنی فناوری اطلاعات تماماً یکی از زیرساخت‌های مهم نظام ملی اطلاع‌رسانی در عصر اطلاعات است. بر اساس این اصلاحیه شورای عالی اطلاع‌رسانی محور فعالیت‌های آنها را امور فرهنگی، اجتماعی، دینی و اخلاقی حوزه اطلاع‌رسانی تعیین کرد. همچنین با توافق مسئولان، شورای عالی آی. تی مسئول زیرساخت‌ها و شورای عالی اطلاع‌رسانی مسئول محتوا در فضای اطلاع‌رسانی شدند. اینکه چنین وضعی مدل بهینه است یا خیر در بحث دوم قرار می‌گیرد. در تیر ماه ۱۳۸۴ که بخش‌نامه شورای عالی اطلاع‌رسانی تغییر کرد تبعاً طرح تکفا دیگر در جهت مأموریت این شورا نبود. دبیر شورا به تناسب تخصص عوض شد و دبیر جدیدی برای شورا تعیین گردید. از فروردین ۱۳۸۵ دبیر جدید و تیم جدید شورای عالی اطلاع‌رسانی فعالیت خود را با تمرکز بر محتوای الکترونیکی و ابعاد فرهنگی اجتماعی حوزه اطلاع‌رسانی آغاز کردند. برای سازماندهی، نظام‌مندی و تعیین قواعد صحیح رفتار اجتماعی

عالی اطلاع‌رسانی هم در ابتدای شکل‌گیری دقیقاً همین مسئله را با شورای انفورماتیک داشت و تعجب می‌کردم که چرا اینها با هم تداخل دارند.

انگیزه من از مطرح کردن نظام ملی این بود که یکی از دانشجویان پایان‌نامه‌ای با موضوع «فقدان اطلاعات در کشور به چه معنا است» تهیه می‌کرد و من راهنمای آن بودم. در آن پایان‌نامه اشاره شده است که ما واقعاً اطلاعات در کشور نداریم یا دسترسی به آن نداریم که البته اگر بود و دسترسی نداشتیم، باز هم فقدان تلقی می‌شد. این دانشجو در سازمانی جست‌وجو کرده و به این نتیجه رسیده بود که اگر ما بتوانیم منابع اطلاعاتی را که وارد کشور می‌شود به درستی شناسایی کنیم، نیازی به پرداخت ۷۰ برابری هزینه‌های آن منبع اطلاعاتی نداریم. این مطلب با آمار و ارقام در پایان‌نامه نشان داده شده است. این به من هشدار داد که ما به سمت از دست دادن نیرو، وقت و پول پیش می‌رویم. برای اینکه در داخل ساماندهی نکردیم تا بدانیم چه اطلاعاتی کجا هستند.

برای ساختار، محتوا و فرآیند باید سیاست‌گذاری شود، زیرساخت اینها هم آن فرهنگی است که باید روی آن کار شود و نمی‌توان فرهنگی را به سرعت نهادینه کرد. ولی اگر باور داریم باید روی آن سرمایه‌گذاری کنیم نه فقط درباره فرهنگ تولید و توزیع بلکه حتی درباره فرهنگ مصرف، آقای حیدری به فرهنگ دینی اشاره کردند و جا دارد من اشاره کنم که زبان دین، زبان نمادین است. یعنی نماد در آن نقش مهمی دارد. وقتی گفته می‌شود «کلو و اشروبا و لاتسرفوا»، مفهوم آن فقط خوردن نیست. اگر ما اطلاعاتی را بگیریم و فقط یک دهم آن را استفاده کنیم و بقیه آن زائد باشد جزء مصادیق چنین نگرشی است.

کار نظام ملی از یک زیرساخت شروع می‌شود، زیرساخت‌های بسیار زمان‌بر و زمان‌گیر تا به مرحله اجرای کار می‌رسد. شما به محض اینکه گستره خود را باز کنید، باید فرهنگ‌سازی انجام دهید و گرنه مثل این است که شما یک تکنولوژی وارد سرزمینی کنید که نمی‌توانند از آن درست استفاده کنند. یکی از دوستان می‌گفت اوایل انقلاب که همه می‌رفتند سوره‌ی چیزی وارد می‌کردند و شرایط هم به دلیل جنگ بسیار سخت بود، ما از آنجا یک یخچال صندوقی خریدیم و آوردیم که مادر بزرگ ما از آن به‌عنوان صندوق لباس استفاده می‌کرد. برای اینکه تنها شناختی که از آن داشت این بود که می‌تواند لباس‌هایش را درون آن بگذارد. اگر ما نسبت به آن چیزی که در اختیار ما قرار می‌گیرد، آگاهی نداشته باشیم باید انتظار هم داشت که استفاده‌های نابجا کنیم. این چیزی است که نیاز به کار دارد و این کار از خود نظام ملی اطلاع‌رسانی ساخته نیست، بلکه نظام ملی باید خواسته خود را به کل نظام‌ها و سازمان‌های کشور منتقل کند تا آنها این زیرساخت را برایش فراهم کنند. وقتی که تافلر می‌گوید آیا می‌شود از موج اول به موج سوم رفت و موج دوم را نادیده گرفت، من فکر می‌کنم چندان راحت نیست. یعنی اگر چیزی سیر طبیعی خود را طی نکند، همیشه با خلأهایی مواجه خواهد شد. موج دوم نتیجه موج اول و مقدمه موج سوم است و این فرآیند باید طی شود، ما نمی‌توانیم زمان را به عقب برگردانیم و همان دوره

را آنقدر طولانی طی کنیم، ولی شرایط را در زمان کوتاه‌تر باید فراهم کرد تا اینها به‌طور طبیعی طی شود.

دکتر حسن زاده: همان‌طور که مستحضربا اعتقاد بر این است که دولت در قبال مسئله زیرساخت ملی می‌تواند نقش راهبر و حمایت‌کننده داشته باشد نه اینکه تنها داعیه‌دار، طراح، ارائه‌دهنده، مجری و استفاده‌کننده باشد. در کشورهای مختلف هم به همین شکل است، مثلاً در ایالات متحده سالیانه بیش از ۵۰ میلیارد دلار در زمینه زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی از سوی بخش خصوصی سرمایه‌گذاری می‌شود و البته این سرمایه‌گذاری جدا از آن سرمایه‌گذاری است که ما در زمینه آی. تی می‌شناسیم. در زمینه زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی هم سرمایه‌گذاری متفاوت است. آقای حیدری دبیرخانه چه تلاش‌ها و برنامه‌هایی برای ایجاد زیرساخت‌های نظام ملی اطلاع‌رسانی انجام می‌دهد. لطفاً درباره بخش‌های کاربردی یا فرهنگ‌سازی که به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های نظام ملی اطلاع‌رسانی مطرح است و از وظایف دبیرخانه شورا است و خود محتوا که مستقیماً به شورای عالی اطلاع‌رسانی مربوط است، توضیح دهید؟

مهندس حیدری: بنده با نظر آقای دکتر حری موافقم که اطلاع‌رسانی نباید از اول وارد حوزه فناوری اطلاعات می‌شد. بخش توسعه فناوری اطلاعات مسئولان و متولیان دیگری دارد. اطلاع‌رسانی مفهوم بسیار مؤثرتری دارد و از طریق ابزارهای مختلف از جمله ابزار فناوری اطلاعات مفهوم وسیع‌تر و متفاوتی با توسعه آی. تی در کشور می‌یابد. به‌نظر من با وجود شورای عالی فناوری اطلاعات و شورای عالی اطلاع‌رسانی، شورای عالی اطلاع‌رسانی مسئولیت بزرگی را بر عهده دارد و می‌تواند خوب پیش برود. دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی با طرح «تسما» تلاش می‌کند که بین نهادهای مختلفی که در حوزه تولید و اشاعه محتوای الکترونیکی در کشور فعالیت می‌کنند، هماهنگی ایجاد کند. نهادهای مختلف دانشگاهی که زیر نظر یک وزارتخانه فعالیت می‌کنند، از نظر وضع محتوای الکترونیکی با هم هماهنگی ندارند، چه رسد به اینکه وزارت علوم با وزارت ارشاد و وزارت آموزش و پرورش یا نهادهای دیگر بخواهند در حوزه محتوای الکترونیکی هماهنگی داشته باشد. یک وظیفه جدی شورا این است و در حال حاضر شورا محتواسازی الکترونیکی را پی‌گیری می‌کند و بحث‌های مفصلی با معاونت مدیریت و برنامه‌ریزی انجام داده است. باید گلوگاه فعالیت مدیران را که تخصیص بودجه است، تنظیم کرد. مدیر نباید هر طرحی که به دستش رسید، بدون توجه به فعالیت‌های بخش‌های دیگر، در حوزه‌های مختلف از جمله محتواسازی الکترونیکی انجام دهد. همچنین مذاکرات مفصلی با معاونت مدیریت و برنامه‌ریزی شده تا تخصیص همه بودجه‌های محتواسازی الکترونیکی با هماهنگی دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی صورت گیرد. از سوی دیگر با کمیسیون آموزش و تحقیقات و کمیسیون فرهنگی مجلس مذاکراتی شده تا محتواسازی

نشده بود که ما مکلف به ترویج علم باشیم. اگر قرار بود که ترویج علمی صورت بگیرد، نظام ملی اطلاع‌رسانی می‌گفت چه کسی باید این را به عهده بگیرد؟ چه کسی باید این فرآیند را تحت نظارت و ارزیابی خودش قرار دهد؟ حتی خود نظام، مولد و مروج این کار پیش‌بینی نشده بود. قرار بر این بود که همه ارگان‌ها کار تعریف‌شده و تعیین‌شده خود را انجام دهند و نظامی بین اینها رابطه صحیحی برقرار کند. در واقع سیاست‌گذاری متمرکز باشد، ولی اجرا غیرمتمرکز شود و همه از الگوی واحدی در انجام کارهای خود پیروی کنند. ولی چرا انجام نشد، در ابتدای بحث بنده و دوستان دیگر به آن اشاره کردیم. به نظر بنده ساماندهی محتوا بدون ساختار و بدون نگاه به فرآیند ابتر می‌ماند. پیشنهاد من این است که شورای عالی اطلاع‌رسانی هر سه وجه این مثلث را تحت هماهنگی، نظارت و ارزیابی قرار دهد، نه یک وجه آن را، زیرا اگر این وجه را رها کند و بعد ساختاری اعم از ساخت‌افزار یا هر چیز دیگری را محول کند که هیچ‌الگویی از نظر تبعیت نداشته باشد، باز محتوا از بین می‌رود و حتی ساختاری می‌آید که گاه محتوا را مکلف می‌کند که تحت ساختار خود قرار دهد. آنگاه به جای آن که ساختار خود را تابع محتوا کند، محتوا ناگزیر می‌شود که خودش را تابع ساختار کند و این نقض غرض است. این مثلث باید از سوی همین شورا که مصوب است و روی آن مطالعه شده و دست‌کم دو دولت را پشت سر گذاشته است تعریف شود.

دکتر حسن زاده: خانم دکتر زندیان با این اجزای مختلفی که برای نظام ملی اطلاع‌رسانی در کشور وجود دارد، همانند نظام ملی اطلاعات دانشگاهی (کتابخانه‌های دانشگاهی)، نظام ملی اطلاعات کشاورزی و نظام ملی اطلاعات پزشکی، با چه راهکارهایی می‌توانیم کار را ارتقا دهیم و در درازمدت به نتیجه قابل قبولی برسیم؟

دکتر زندیان: با توجه به صحبت‌هایی که شد، من باز بر واژه نظام اشاره و تأکید می‌کنم. همان‌طور که می‌دانید مهم‌ترین هدف نظام، ایجاد هماهنگی است. تأکید من بر این مسئله بدین دلیل است که ما بحث هماهنگی را جدی بگیریم. مسائلی همچون وجود قانون و آیین‌نامه‌ها که آقای حیدری به آن اشاره کردند، به اندازه کافی وجود دارد، ولی اجرای آن مختل است. در بسیاری از سازمان‌ها که متولی ایجاد نظام‌ها از دیدگاه مختلف هستند و یکی از آن تدوین آیین‌نامه‌هاست، مهم‌ترین مشکل عدم هماهنگی بین خود سازمان‌هایی است که متولی بخشی از این نظام هستند. در درجه اول ما باید نشست‌هایی برای ایجاد هماهنگی بین خود همین سازمان‌ها برگزار کنیم. در درجه دوم شناخت متولیان واقعی هر یک از بخش‌های ساختار و محتوا و فرآیند، اینکه چه سازمان‌هایی متولی پیاده کردن محتوا، ساختار و فرآیند در نظام هستند، قرار دارد. این مهم‌ترین کاری است که کمک می‌کند نظام ملی اطلاع‌رسانی راه واقعی خود را پیدا کند و از دوباره‌کاری‌ها در خود این نظام‌ها جلوگیری شود.



الکترونیکی انسجام و هماهنگی بیشتری داشته باشد. شورا علاوه بر آن ارزیابی و نظارت بر نهادهای مختلف را پی‌گیری می‌کند. در صورتی که از نظر قانونی همه نهادها موظفند با شورای عالی اطلاع‌رسانی همکاری کنند، اما در عمل هیچ‌گونه ضرورتی برای همکاری وجود ندارد. البته ما تلاش می‌کنیم با مهارت‌های ارتباطی که می‌توان در ساختار اداری داشت، برای اطلاع از محتواسازی الکترونیکی اقداماتی را به کار بگیریم. در دبیرخانه کارگروه‌هایی تشکیل شده است که وظایف یکی از آنها بررسی دانشگاه‌های مجازی است و در این زمینه محتواسازی الکترونیکی می‌شود، کارگروه‌های دیگری در زمینه کتابخانه‌های دیجیتالی، تولید سرگرمی‌های الکترونیکی و نظایر آن فعالیت می‌کنند. این کارگروه‌ها که در چارچوب طرح تسما تشکیل شده، تلاش می‌کنند یک نظام همکاری بین بخش‌های مختلف به وجود بیاورند. مثلاً در حوزه بازی‌های الکترونیکی که بخشی از محتوای الکترونیکی است و به شورا مربوط می‌شود به این پرداخته می‌شود که نهادهای دانشگاهی چه نقشی می‌توانند در حوزه آموزش و تربیت منابع انسانی، تولید منابع و فرهنگ‌سازی برای مردم داشته باشند.

دکتر حسن زاده: کارکردهایی که نظام ملی اطلاع‌رسانی خواهد داشت، عبارت‌اند از: کمک به شهروندان برای تسهیل توزیع و دستیابی به اطلاعات در کشور، ارتقای سطح آگاهی شهروندان، کمک به دولت، دستیابی به اطلاعات حکومتی برای تصمیم‌گیری، بسترسازی برای ارائه خدمات دولت الکترونیک، کمک به جامعه علمی، دستیابی به اطلاعات علمی، توزیع یافته‌های علمی، زمینه‌سازی برای حمایت از حقوق معنوی، زمینه‌سازی برای همکاری‌های علمی، جلوگیری از پراکندگی و تکرار فعالیت‌های علمی. آخرین کمکی که نظام ملی اطلاع‌رسانی خواهد کرد، کمک به مجامع بین‌المللی است که عبارت‌اند از: شناخت توان علمی کشور، زمینه‌سازی برای همکاری‌های علمی، و مشارکت در شکل‌دهی میراث مدون جهانی.

دکتر حوی: فرمایش شما فراتر از وظایفی است که برای نظام ملی اطلاع‌رسانی تعریف شده بود. ما درباره اطلاعات علمی بیشتر بحث کردیم، حتی بحث از ترویج علمی که آقای امیرحسینی مطرح کرد به آن معنا دیده

این است که مشکل کتابداران حل می‌شود، کتابداران بیش از ده سال است که با کامپیوتر کار می‌کنند و چشم آنها در معرض خطر است، ولی حق اشعه نمی‌گیرند، اینها چیزهایی است که می‌توان به آنها پرداخت. دومین مسئله این است که ما روش‌های متعدد اطلاع‌رسانی داریم که عبارت‌اند از: آماری، علمی، تجاری و غیره که با هم هیچ ارتباطی ندارند. پیشنهاد من این است که برای نظام اطلاع‌رسانی کشور مبانی نظری تهیه شود. مبانی نظری آن می‌تواند به سه بخش تقسیم شود: مبانی هستی‌شناسی کلان^۷ که برگرفته از جهان‌بینی ماست و این جهان‌بینی برگرفته از تفکر و حکمت ایرانیان باستان و فلسفه اسلامی است. داشتن تفکر معرفت‌شناسی به این دلیل که ما تا حالا در معرفت‌شناسی نفوذ نکرده‌ایم و دیگر اینکه یک هستی‌شناسی خرد^۸ داشته باشیم که الگوی ما را ترسیم می‌کند. الگویی که ما برای نظام اطلاع‌رسانی خود طرح می‌کنیم. این الگو برای نظام ملی اطلاع‌رسانی یک تفکر قیاسی است و برای وزارت کشاورزی نسبت به نظام ملی اطلاع‌رسانی استقرائی می‌شود. برای وزارت کشاورزی، تفکر قیاسی محسوب می‌شود و برای منابع یک تفکر استقرائی است و همین‌طور پله پله حرکت می‌کنیم تا می‌رسیم به عرصه کشاورزی یعنی هدف ما در وزارت جهاد کشاورزی آن است که به عرصه کمک کنیم اصلاً هدف ما این نیست که سازمان لوکس درست کنیم بلکه هدف این است که یک سازمان مجازی درست کنیم تا بتوانیم به عرصه کمک کنیم.

مهندس حیدری: به‌عنوان اهداف مقدماتی می‌توان به توجه هم‌زمان به ساماندهی محتوا، ساختار و فرآیند و ارتقای سطح فعالیت‌های نهادهای مختلف اشاره کرد. ما برای رسیدن به قله می‌توانیم این چند هدف مقدماتی را داشته باشیم. نکته این است که باید همکاری نهادهای کلان در کشور با نخبگان و صاحب‌نظران مردمی افزایش پیدا کند و نهادهای کلان به پاسخ‌گویی در برابر نخبگان و صاحب‌نظران مردمی ملزم باشند. این می‌تواند از خطاها پیش‌گیری کند. شورای عالی اطلاع‌رسانی چندین سال به سمت توسعه‌آیی. تی رفت. در صورتی که بین توسعه و فناوری اطلاعات با اهداف شورای عالی اطلاع‌رسانی فاصله وجود دارد. فعال بودن و همکاری شدید نخبگان با شورا و پاسخ‌گو بودن نهادها، یکی از اهداف مقدماتی است که ما را به قله می‌رساند. گام بعدی این است که وقتی نهادهای کلان در برابر نخبگان پاسخ‌گو بودند، بقیه سازمان‌های اجرایی باید هماهنگی و همکاری قطعی با این نهادهای کلان داشته باشند. یک مرکز هماهنگ‌ساز، انسجام‌بخش و راهبر در هر حوزه لازم است و نهادهای اجرایی باید این اقتدار را برای نهادهای کلان قائل باشند که در برابر آن نهاد پاسخ‌گو باشند. همچنین همکاری و هماهنگی لازم را داشته باشند.

دکتر حسن زاده: به‌نظر می‌رسد که بهتر است تحقیقاتی شکل بگیرد تا مشخص شود که کل نظام ملی اطلاع‌رسانی در کشور با چه مشکلاتی



دکتر حسن زاده: آقای امیرحسینی به‌نظر شما چه راهکارهایی یا راه‌حلهایی را می‌توانیم ارائه دهیم تا به یک نظام ملی اطلاع‌رسانی مطلوب برسیم؟

دکتر امیرحسینی: نظام ملی کشاورزی جدا از نظام ملی اطلاع‌رسانی در کشور نیست. ما دو چالش عمده را هم در کشور و هم در سیستم‌های اطلاعاتی وزارت کشاورزی مشاهده می‌کنیم. یکی اینکه متولیان متعددی در وزارت کشاورزی و حتی در حوزه اطلاع‌رسانی وجود دارد و دوم اینکه روش‌های متفاوتی از اطلاع‌رسانی در کشور وجود دارد که با یکدیگر ارتباط و انسجام سیستمی ندارند. بنده دو پیشنهاد دارم؛ اول اینکه می‌خواهم به مقوله زیرساخت‌های بینشی، سازمانی و فنی که مهندس حیدری اشاره کرد، زیرساخت محتوایی را اضافه کنم. زیرساخت محتوایی شامل دو بخش است. بخش اول چالش اول را مرتفع می‌کند، یعنی وضع تفرق و تکثری را که در واحدهای متولی اطلاع‌رسانی وجود دارد، برطرف می‌کند و آن یک بنیان عملی است. پیشنهاد من این است که در این بنیان عملی یک رسته اطلاع‌رسانی در طرح طبقه‌بندی مشاغل ایجاد کنیم. اگر طبقه‌بندی مشاغل را یک سیستم نظام‌مند از پست‌های سازمانی در یک رشته شغلی تعریف کنیم و پست‌های مربوط به حوزه اطلاع‌رسانی را با طبقات شغلی که در طرح طبقه‌بندی مشاغل تعریف می‌کنیم مرتبط کنیم و آن طبقه شغلی را با یک رسته شغلی (مانند اطلاع‌رسان آماری، اطلاع‌رسان علمی) مرتبط کنیم، طبقات آن را می‌توان با عنوان طبقه یک، دو، سه و چهار نام برد. بعد رسته‌های فرعی تعریف کنیم و بگوییم اطلاع‌رسانی آماری یعنی اطلاعات جغرافیایی، جی. پی. اس^۹ و جی. آی. اس^۱ و امثال آن و در نهایت یک رسته اطلاع‌رسانی تعریف کنیم و باز هم در این سیستم طرح طبقه‌بندی مشاغل را مرتبط کنیم، همان‌طور که در قانون هست و تصریح شده، آن را با نظام حقوق و دستمزد مرتبط کنیم. اولین اتفاقی که می‌افتد



جلسه مطرح شد، می‌تواند پیش برود. بنابراین با پاسخ‌گوبودن و همکاری تنگاتنگ این نهادهای کلان با نخبگان و مردم و در کنار آن پاسخ‌گوبودن نهادهای اجرایی در برابر این نهادها می‌توان جریان را پیش برد.

دکتر حسن زاده: من در سه جمله بحث امروز را خلاصه می‌کنم. بحث اول اینکه نظام ملی اطلاع‌رسانی در کشور مدت‌زمان مدیدی است که مطرح شده و متولی آن هم شورای عالی اطلاع‌رسانی تعیین شده است. بعد از آن با تغییرات متفاوتی مواجه بوده و الآن در قالب دو ارگان متفاوت اداره می‌شود و می‌خواهد در آینده به سمت دستیابی به اهداف خویش حرکت کند. دومین نتیجه‌گیری که از بحث امروز می‌توان کرد این است که علاوه بر این ارگان‌های متولی در سطح دانشگاه‌ها و وزارتخانه‌ها کارهای مختلفی تحت عنوان نظام ملی اطلاع‌رسانی برای نمونه در وزارت جهاد کشاورزی، بهداشت و آموزش پزشکی و وزارت علوم پی‌گیری می‌شود. سومین بحث اینکه نظام ملی اطلاع‌رسانی در کشور ما از نبود یک سیاست کلان و درازمدت رنج می‌برد. آخرین پیشنهادی که این جلسه به جامعه دانشگاهی می‌تواند داشته باشد، این است که طرح‌هایی برای کلان‌نگری در حوزه نظام ملی اطلاع‌رسانی تدوین شود و پیشنهادهای آن در سطح عالی دولت مطرح و پی‌گیری شود.

پی‌نوشت‌ها:

1. E-readiness
2. EIU
3. Economic
4. B L
5. JPS
6. JIS
7. Macro ontology
8. Micro ontology

روبه‌روست، چگونه می‌توان زیرساخت‌های نظام ملی اطلاع‌رسانی را ایجاد کرد و چگونه می‌توان نظام ملی اطلاع‌رسانی را به‌صورتی که برای توسعه کشور مفید باشد، راه‌اندازی کرد؟

مطلبی: در این زمان جا دارد به یک معضل اشاره کنم که شاید گریبان‌گیر سازمان‌های بسیاری است و آن نگرش کوتاه‌مدتی است که در نظام مدیریتی کشور وجود دارد و همین باعث شده که مدیران با توجه به اینکه عمر مدیریت خود را کوتاه احساس می‌کنند، می‌کوشند که چیزی را به بازار عرضه کنند که قابل لمس باشد و همین باعث شده که کارهایی صورت بگیرد که یا چشم‌اندازی نداشته یا اینکه چشم‌انداز آن خیلی مشخص نیست. دیگر اینکه در دوره‌های مدیریتی مختلف سلیقه‌ای عمل شده است. در زمان آقای جهانگرد بیشتر بحث‌های فنی و سخت‌افزاری و مخابراتی مطرح شد و برای طرح‌ها هزینه‌های نسبتاً کلانی اختصاص یافت. در دوره دکتر شهریاری بحث مربوط به تولید و ساماندهی محتوا مطرح شد. واقعاً نمی‌دانم ماموریت‌های شورا عوض شده یا تفسیرهای مختلفی از آنها می‌شود. احساس می‌کنم که هیچ تضمینی وجود ندارد در دوره‌های بعدی این تغییر نگرش‌ها و فعالیت‌ها صورت نگیرد. درحقیقت، یکی از مشکلات اساسی، نوع نگرش مدیریتی در جامعه ایران است.

علیپور: سؤال من این است که آیا دو ارگانی که در کنار هم دو کار مختلف انجام می‌دهند و می‌خواهند به یک هدف مشترک برسند، سیستم نظارتی برای آنها وجود دارد یا خیر؟ با توجه به مطالبی که مطرح شد سازمانی برای آماده‌سازی زیربنای تعیین شده و سازمانی دیگر که بر روی محتوا کار می‌کند؛ آیا در زمینه فرهنگ‌سازی و آموزش که به‌نظر من آن هم نیاز به ارگانی مجزا دارد مرکز یا واحد نظارتی وجود دارد که این تقسیم وظایف را بر عهده بگیرد؟

مهندس حیدری: در دبیرخانه هم به این نتیجه رسیده‌اند و تلاش‌هایی هم برای هماهنگی این دو نهاد صورت گرفته و روابط خوبی بین این دو نهاد وجود دارد. اما شاید لازم باشد که این هماهنگی‌ها به‌صورت نظام‌مند از سوی نهادهای بالاتر انجام گیرد. مجلس شورای اسلامی و نهادهای کلان دیگری مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌توانند نقش میانجی یا هماهنگ‌ساز بین این نهادها داشته باشند. با توجه به دیدگاه دکتر حری درباره نظام ملی اطلاع‌رسانی درباره بحث محتوا، ساختار و فرآیند، ما هم قبول داریم که در این بحث در هیچ کجا به زیرساخت فنی اشاره نشده است. وقتی می‌گویند ساختار یعنی نهادهای مختلف یک مدل هماهنگی و همکاری تعریف شده و هدف‌مندی داشته باشند و یک تقسیم‌بندی درستی بین آنها وجود داشته باشد و خلأ وظیفه‌ای و دوباره‌کاری وجود نداشته باشد. شورای عالی اطلاع‌رسانی، نظام ملی اطلاع‌رسانی را با توجه به این وضع دوگانه‌ای که در این حوزه وجود دارد و پیشنهادهایی که در این